

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

بالضمان متن قوانین

یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۱۴

شماره مسلسل - ۷۲۰

قیمت اشتراك } سالیانه
داخه : ۷۰ ريال
خارجه : ۱۰۰ ريال
تک شماره : دو ريال

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۱۴ *

فهرست مطالب

- ۱) تصویب صورت مجلس
 ۲) قرائت خبر کمیسیون عرایض دائر به تصویب تعقیب جزائی
 ۳) شور اول يك قسمت از مواد اصول مجادکات حقوقی
 ۴) اعلام وصول لایحه تفریح بودجه ۱۳۱۳ مجلس شورای ملی
 ۵) موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه
 علی منصور

(مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۲۸ دی را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند *

رایرت کمیسیون عرایض

ریاست مجلس شورای ملی - در جلسه ۳۰ دیماه ۱۳۱۴
 کمیسیون عرایض پس از قرائت رایرت دیوان جزای عمال
 دولت و مراسله نمره ۳۱۷۸۳ وزارت عدلیه و تحقیقات
 بدوی که بعمل آمده علی منصور وزیر سابق طرق را مظنون
 و متهم دانسته و لزوم ادامه تحقیقات و تعقیب جزائی
 مشارالیه را تصویب نموده اینک خبر آن را تقدیم
 می نماید .

رئیس - آقایانی که با خبر کمیسیون موافقت دارند قیام
 فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . بکمیسیون عدلیه
 ابلاغ خواهد شد .

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (خیر) صورت
 مجلس تصویب شد .

[۲ - قرائت خبر کمیسیون عرایض دائر به تصویب

تعقیب جزائی علی منصور]

رئیس - راجع به قضایای تأسف انگیزی که اخیراً در
 وزارت طرق واقع شده است از پارکه جزای عمال دولت
 رایپورتهی توسط وزارت عدلیه به مجلس شورای ملی ارسال
 گردیده برحسب وظیفه رایرت مزبور به کمیسیون ارجاع
 شد رایرت کمیسیون اینک باطلاع آقایان نمایندگان
 می رسد .

* عین مذاکرات مشروح سی و نهمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قلمرو ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* انامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : مهنا - زوار .
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : نیک پور - هزارجریبی - بیات - عراقی - دکتر جوان - سید کاظم .

[۳ - شور اول یکقسمت از مواد

اصول محاکمات حقوقی]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه در باب محاکمات حقوقی.

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه در جلسه اخیر خود لایحه
نمره ۳۱۷۶۷ وزارت عدلیه را که در تعقیب مواد اصول
محاکمات حقوقی پیشنهاد شده است با حضور آقای وزیر
عدلیه مورد شور و مطالعه قرار داده پس از مذاکرات
لازمه بالاخره مواد پیشنهادی را از ماده ۱۰۷ الی ماده
۱۵۵ برای شور اول عیناً تصویب و علیهذا خبر آنرا که
عین مواد پیشنهادی دولت است برای شور و مطالعه مجلس
شورای ملی تقدیم میدارد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - اول لایحه ماده صد و هفت نوشته شده
لیکن چون دو ماده علاوه شد صد و هفت نوشته شده

رئیس - مذاکرات در کلیات است. مخالفی نیست رأی
گرفته میشود بمرور در شور مواد آقابانیکه موافقت دارند
قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس تصویب شد. ماده ۱۰۹

مبحث سوم

مواعد مخصوص

ماده ۱۰۹ - مواعد اولین جواب مدعی علیه در
صورتی که خارج از مقر محکمه باشد بترتیب ذیل است:

۱ - هر گاه در ایران باشد به نسبت هر سی و شش
کیلومتر (۶ فرسخ) مسافت بین اقامتگاه او تا مقر محکمه
یکروز بموعده مقرر اضافه میشود.

۲ - هر گاه در خارج باشد برای مالک مجاور دو ماه
و دول غیر مجاور سه ماه و برای مالک بعیده مثل آمریکا
و شرق اقصی چهار ماه.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده پیشنهاد یک اصلاح عبارتی داشتم

رئیس - ماده ۱۱۴

فصل چهارم

جلسه محاکمه

ماده ۱۱۴ - در موارد ذیل مدیر دفتر باید بدون
این که تعیین جلسه کند مراتب را فوراً بمحکمه اطلاع دهد.
۱ - وقتی که مدعی عرضحال خود را استرداد
کرده باشد.

۲ - در صورت اصلاح طرفین که صلح نامه رسمی بمحکمه
رسیده باشد.

۳ - در موردی که مدعی علیه کاملاً و صریحاً بدعوی
مدعی تسلیم شده باشد.

۴ - در صورتی که طرفین حق حضور خود را اسقاط
کرده باشند.

محکمه باید در ظرف دو روز تکلیف کار را از حیث اینکه
برای تحقیق یا استیضاح محتاج به تعیین جلسه است یا نه معین
کند در صورتیکه محکمه تعیین جلسه را لازم نداند در مورد
اول عرضحال را ابطال و در مورد ثانی و وصول صلح نامه و
ختم امر را در دوسیه قید میکند و در مورد سوم بلافاصله
و در مورد چهارم پس از رسیدگی حکم صادر میکند

رئیس - ماده ۱۱۵

ماده ۱۱۵ - هر گاه یکی از طرفین حق حضور خود را
برای جلسه محاکمه اسقاط کرده باشد در این صورت نیز مدیر
دفتر باید فوراً و قبل از جلسه مطلب را بمحکمه اطلاع دهد
و اگر محکمه حضور کسیکه حق حضور خود را اسقاط کرده
است لازم بداند باید در ظرف دو روز کتباً بمدير دفتر امر
بدهد مدیر دفتر جلسه را بکسیکه محکمه حضور او را لازم
دانسته است صریحاً اعلام میکند که برای اداء بر توضیحات
ذکر جلسه محاکمه حاضر شود.

رئیس - ماده ۱۱۶

ماده ۱۱۶ - جلسه محاکمه برای اولین روزیکه محکمه
مطابق دفتر اوقات وقت رسیدگی دارد معین میشود ولی وقت
باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت بمشداً تعیین

و روز جلسه کمتر از سه روز نباشد.

رئیس - ماده ۱۱۷

ماده ۱۱۷ - در مواردیکه اقامتگاه متداعیین با یکی
از آنها در خارج از مقر محکمه باشد روز جلسه باید با رعایت
مسافت مدتیکه عادتاً برای ابلاغ و حضور در محکمه لازم است
معین شود.

رئیس - ماده ۱۱۸

ماده ۱۱۸ - جلسات محاکمه علنی است مگر در مواردیکه
علنی بودن آن محل انتظامات عمومی یا منافی با اخلاق حسنه
باشد در این صورت محکمه میتواند بنظر خود یا بتقاضای یکی
از متداعیین یا مدعی العموم قرار غیر علنی بودن جلسه را بدهد

رئیس - ماده ۱۱۹

ماده ۱۱۹ - حاکم محکمه قبل از جلسه دوسیه امر را
مطالعه کرده خلاصه از دعوی و مدافعات و دلائل طرفین
ترتیب داده نکاتی را که محتاج بتوضیح است یاد داشت میکند
و در موقع افتتاح جلسه خلاصه مزبور را برای اصحاب دعوی
قرائت و توضیحاتی را که لازم است از آنها میخواهد.
توضیحات و مذاکرات بطور خلاصه در صورت مجلس ضبط
و بامضاء طرفین میرسد.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - یکی از دلایل مهم تنظیم لایحه اصول
محاکمات حقوقی این است که در عمل اگر نواقصی در کار
بوده است در این لایحه جدید پیش بینی بشود و مشکلاتی که
در کار محاکم هست رفع شود. بنظر بنده یکی از مسائلی که
در عمل اسباب تاخیر کار در جلسات محاکم هست عدم توجه
حکام و قضات است نسبت با اجرای این ماده برای اینکه این
ماده در قانون سابق هم بوده است که حاکم محکمه مکلف است
قبل از جلسه دوسیه را مطالعه کرده و خلاصه از مستندات و
سواد لوابیحی که مبادله میشود روی کاغذ بیاورد و بعد در جلسه
محاکمه حاضر الذهن باشد برای اینکه اگر محتاج بتوضیحی
از طرفین دعوی باشد از طرفین بخواهند و در همان جلسه
محاکمه را خاتمه دهند ولی در عمل (البته همیشه نمی توانم

عرض کنم) اغلب این طور است که در جلسه که برای محاکمه تشکیل میشود آقایان قضات بکلی از جریانات دوسیه بی اطلاع و ناچارند این عملی را که قانون بمهده آنها گذاشته که در خارج جلسه محاکمه انجام بکنند در همان جلسه محاکمه بکنند و اکثر هم وقت کافی نیست برای انجام این کار و محتاج بیک جلسه دیگر میشوند و بعد هم در جلسه دیگر باز محتاج بیک توضیحاتی شاید بشوند و بک جلسات دیگری هم برای انجام محاکمه مقرر شود بمقیده بنده چون این ماده در قانون سابق بوده است ولی سانکسیون نداشتند اغلب رعایت نمیشده مقتضی است برای اهمیتی که این ماده دارد بک سانکسیون و مجازاتی قرار داده شود که قضات ناچار و ملجأ باشند برای اینکه این کار را در خارج بکنند و بی جهت وقت محکمه ضایع نشود و کارها متراکم و معوق نماند. البته بنده این عقیده را ندارم که تمام تکالیفی که برای قضات تعیین میشود دنبالش هم بک مجازاتی تعیین شود و این طرز عجیبی است ولی این ماده چون از موادی است که در عمل دیده شده است که اغلب مورد تخلف بوده است و نتیجه اش هم تمویق کارها بوده است باین جهت عقیده دارم که بطور استثناء در این ماده بک مجازاتی برای قضات و کسانی که تخلف از این ماده میکنند پیش بینی شود که بدین وسیله ملزم با اجرای آن باشند.

وزیر عدلیه - اهمیت مفاد این ماده در قانون همینطور است که آقای احتشام زاده بآن اشاره کردند خیلی در تنظیم و پیشرفت کار دخالت دارد ولی چندان مناسب نیست که در اینجا بک مجازاتی گذاشته شود برای اینکه این قانون همه اش تکالیف و دستورالعمل است برای محاکم و قضات و بعد هم برای مأمورین اجرا و هر کدام در محل خودش بک اهمیت دارد بعضی قسمت ها است که اهمیت فوق العاده داشته است مثل اینکه در مواد اولیه و مواد اصولی ذکر شد که اگر حاکم محکمه بمذرت ناقص بودن قوانین و یا ابهام و اجمال قوانین در رسیدگی مسامحه بکند و یا استنکاف کنند مستنکف محسوب است و مجازات مستنکف در قوانین جزا مقرر شده است

آنجا چون اهمیتش بدرجه ای بود که اصلاً رسیدگی نمی کرد جا کم محکمه و گوش بحرف مدعی نمیداد و از سر خودش وا میکرد. البته مناسب بود که بک مجازاتی ذکر میکردیم و در آنجا که مجازاتی ذکر نشده از این جهت بود که آنها را در ردیف مستنکفین حق قرار داده است و مجازاتش در قوانین دیگر مقرر است ولی اینجا همانطور که خودشان تذکر دادند مناسب نیست ذکر مجازات شود. مطابق نظامات محاکمه انتظامی و مخصوصاً تشخیص تقصیرات انتظامی که خودش بک محکمه علیحده دارد و در وزارت عدلیه معمول است متخلف از مواد اصول محاکمات را چند قسم کرده است بک قسم تخلفاتی است که اسباب نفویت حق از کسی میشود و بک قسم تخلفات مختصری است که آنها را از درجه بک تا سه قرار داده است یعنی از توبیخ تا کسر حقوق و بک قسمت هم مجازاتش را انفصال موقت و اگر تعدد شد تنزل درجه نه تعدد در اینکه بر خلاف حق حکم بدهد و یا اساساً رسیدگی نکند این ها مجازاتش خیلی بیش از این ها است. تعدد در اینکه مثلاً محکمه باید رأی را در مدت پنج روز بدهد و نداد اینطور و از این قبیل و اگر تخلفات بیش از این باشد مجازاتش انفصال دائم است از خدمات دولتی پس این ها در جای خودش منظم است و ذکر شده و در اینجا محتاج نیست ذکر شود.

رئیس - ماده ۱۲۰ - در جلسه محاکمه هیچگونه دلیل و سند جدیدی از طرفین پذیرفته نمی شود.

رئیس - آقای دیبا.

طباطبائی دیبا - این مواد اگر اعم است از بدایت و استیناف بنده عقیده ام این است که این ماده نمی شود با این ترتیب تصویب شود می نویسد در جلسه محاکمه هیچگونه دلیل و سند جدیدی از طرفین پذیرفته نمی شود در صورتیکه در مرحله استینافی در اصول محاکمات سابق هم داشتیم که دلیل و سند جدید قبول میشد و اگر مخصوص استنا به محاکمات بدوی بنده عرضی ندارم و اگر اعم است باید در قوانین دیگر که شاید در مواد مخصوصه استیناف خواهد آمد که آنجا سند و دلیل جدید قبول می شود آنرا باید قید کرد.

وزیر عدلیه - این ماده بک اصل کلی است و این در مورد استثناء خواهد داشت یکی در مورد حکم غیابی در محاکمات اختصاری که طرف در جلسه حاضر نشده باشد وقتی که عرض حال اعتراض داد میتواند دلیل بیاورد و یکی هم در استیناف که آن در جای خودش تصریح خواهد شد محتاج به ذکر در اینجا نیست.

رئیس - آقای کاشف.

کاشف - بنده عرضی ندارم پیشنهادی تقدیم کرده ام. (پیشنهاد ایشان اینطور خوانده شد)

این جانب پیشنهاد می نمایم که جمله ذیل بماده علاوه شود. مگر در مواردیکه محاکمه تجاری باشد.

کاشف - با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه فرمودند مسترد میدارم.

مؤید اجملی - شور اول است پیشنهادات می رود به کمیسیون.

رئیس - ماده ۱۲۱.

ماده ۱۲۱ - عدم حضور بک طرف مانع توضیحات طرف دیگر نمی باشد.

رئیس - ماده ۱۲۲.

ماده ۱۲۲ - در موارد ذیل عین اظهارات متداعیین باید نوشته شود.

۱ - وقتی که بیان یکی از آنها مشتمل بر اقرار باشد.

۲ - در موردیکه یکی از طرفین بخواهد از اظهار طرف استفاده نماید.

۳ - در صورتی که محکمه بجهتی درج عین عبارت را لازم بداند.

رئیس - ماده ۱۲۳.

ماده ۱۲۳ - محکمه در جلسه بطرفین تکلیف صلح می کند هرگاه صلح کردند مراتب در صورت مجلس نوشته شده باعضاء طرفین میرسد و در صورتی که حاضر برای صلح نباشند محکمه شروع بر رسیدگی کرده تکلیف تقاضاهای اجتناب دعوی را از قبیل تحقیق و معاینه محل و رجوع بخبره

و رسیدگی بسایر دلائل در جلسه محاکمه معین و اعلام می دارد در صورتی که تعیین تکلیف در جلسه محاکمه ممکن نباشد محکمه باید منتهی در ظرف پنج روز قرار لازم را صادر و اعلام کند.

رئیس - آقای اورنگ.

اورنگ - عرضی ندارم. موافقم.

رئیس - ماده ۱۲۴.

ماده ۱۲۴ - همینکه قضیه بر محکمه واضح و روشن شد باید ختم محاکمه را اعلان و در صورت مجلس قید کند و در صورتی که دعوی قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن روشن باشد محکمه میتواند نسبت بهمان قسمت محاکمه را ختم کرده و نسبت بقسمت دیگر رسیدگی را ادامه دهد.

رئیس - ماده ۱۲۵.

ماده ۱۲۵ - اگر دعاوی دیگری که ارتباط کامل با دعاوی طرح شده دارد در همان محکمه مطرح باشد محکمه میتواند دعاوی مزبور را جمع کرده به تمام آنها توأماً رسیدگی کند.

رئیس - ماده ۱۲۶.

ماده ۱۲۶ - بعد از اعلان ختم محاکمه هیچ قسم اظهار شفاهی یا کتبی از طرفین پذیرفته نخواهد شد.

رئیس - آقای اورنگ.

اورنگ - بنده در این ماده ۱۲۱ که حالا نمیدانم چه عدد و چه نمره پیدا کرده گویا یکی دو نمره پس و پیش شده در آنجا اجازه خواسته بودم و بعد ملتفت شدم که در آنجا مورد مذاکره نیست در آنجا نوشته شده در صورتی که محکمه تکلیف صلح کرد بطرفین و طرفین نیز پذیرفتند بعد محکمه لا اقل در ظرف پنج روز موظف است که قرار لازم را صادر کند و در ذیل آن مواد راجع بمحاکمه و اعلان ختم محاکمه است در این جا لازم است که ذکر شود راجع باصدار حکم هم پس از اعلان ختم محاکمه محکمه مکلف است اقل در ظرف پنج باهشت روز بک اندازد که مناسب این قانون بامجا کم است فکر شود که پس از

اعلان ختم محاکمه تاچه اندازه محکمه حق دارد معطل کند صدور حکم را چون در قرار آن بالا ذکر کرد که در ظرف پنجروز یعنی بیش از پنجروز صادر کردن يك قرارى را محکمه نمیتواند طول بدهد حالا برای حکم چه قدر طول بدهد پنج روز پنج ماه ده ماه در آنجا ذکر نشده اعتقاد بنده این است که اگر حضرت آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند جای این دارد که يك راه حلی هم برای اصدار حکم در آنجا قائل شویم.

مخبر - در ماده ۱۴۲ در بابی که راجع بصدور حکم ذکر شده آنجا منظور آقا ذکر شده است.

رئیس - ماده ۱۲۷

ماده ۱۲۷ - در موارد ابلاغ محکمه باید قبل از اعلان ختم محاکمه عقیده مدعی العموم را در موضوع دعوی استماع کند.

رئیس - ماده ۱۲۸

ماده ۱۲۸ - مواردی را که مدعیان عمومی باید در محاکمات حقوقی مداخله کنند موارد ابلاغ گویند و موارد مزبوره از قرار ذیل است.

- ۱ - دعاوی راجعه باموال و منافع و حقوق عمومی.
- ۲ - دعاوی راجعه بدولت.
- ۳ - دعاوی راجعه بوجوه بریه و امور خیریه که جهت عمومی داشته باشد مثل وصایای عمومی و اوقاف عمومی و امثال آن.
- ۴ - دعاوی راجعه به صغیر و سفیه و مجنون و غائب و مفقود الاثر.

رئیس - آقای دبیر

طباطبائی دبیر - دعاوی تولیت و اعیان مخصوصه از جمله دعاوی است که غالباً محل ابتلاست بعضی اشخاص مدعی تولیت و اشخاص دیگر منکر تولیت آنها هستند و مثبت تولیت خودشان یا اینکه اداره اوقاف میگوید فلان شخص متولی است یا فلان شخص متولی نیست مقصود این است که این قضیه غالباً محل ابتلاء است در اینجا بنده عقیده ام

این است که مشاوره مدعی العموم هم لازم است اگر دعوی تولیت شد بنده این جا مطالعه می کردم در اینجا مورد مربوطه به تولیت نیست و عقیده ام این است که اگر این موارد را هم شامل باشد بهتر است مثلاً ملاحظه بفرمائید يك موقوفه است عام المنفعه است و این از مواردی است که مدعی العموم باید مداخله بکند بنظر بنده دعوی راجعه به تولیت هم که حق عمومی است باز باید مدعی العموم مداخله داشته باشد.

وزیر عدلیه - دخالت مدعی العموم همیشه مربوط میشود بحفظ حقوق عمومی اما حفظ حقوق خصوصی چون اشخاص خودشان زبان دارند - بیان دارند لازم نیست که مدعی العموم آنجا مداخله کند و این امور عمومی از آن جهت که غالباً مهم جور است و کم طرفدار دارد این است که در این قانون ملاحظه شده است که مدعی العموم مداخله کند مثل اموال دولتی و موقوفات عمومی و امثال آن و البته این وقتی است که این مداخله يك جنبه هم داشته باشد که مورث حفظ يك حقوقی باشد و البته اگر جنبه مالی در کار نباشد فقط نزاعی است در تولیت وقف بودن ملك مسلم و شرایط و وقفیت معین فقط اختلاف در تولیت است یکی میگوید من مقولی هستم دیگری میگوید من هستم هر دو طرف بدعوی نص تولیت اختلاف دارند یا بدعوی تطبیق اوصاف نسبت بخودشان بر هر تقدیر شخص طرف است اینجا این قسمت حقوق عمومی نیست حقوق عمومی بجای خودش محفوظ است هر کس متولی باشد باید مطابق وقف و شرائط آن عمل کند پس جائی که عنوان مال در کار نباشد یعنی يك مال و حق را نخواهند از کسی منتزع کنند نزاعی در وقفیت نباشد یا نزاع در خصوصی و عمومی بودن نباشد این مجوزی ندارد که مداخله کند.

رئیس - ماده ۱۲۹

ماده ۱۲۹ - مداخله مدعی العموم در سه مورد اول ماده فوق دخالت اصلی و در مورد اخیر ماده مزبور تبیی است

رئیس - ماده ۱۳۰ قرائت میشود

ماده ۱۳۰ - در موارد دخالت اصلی مدعی العموم بنام حفظ حقوق عمومی در محاکمه مداخله میکند و اگر متداعیین خصوصی دعوی خود را باصلاح خاتمه دهند صلح آنها خللی بحقوق عمومی وارد نمیآورد و مدعی العموم می تواند دعوی را در محکمه تعقیب کند و در صورت صدور حکم از محکمه اگر مدعی العموم بر آن تسلیم نباشد حق اعتراض و استیناف و اعاده محاکمه و تمیز را موافق اصول محاکمات حقوقی دارد ولو اینکه مدعی یا مدعی علیه که محکوم شده تسلیم بحکم شده باشند.

رئیس - ماده ۱۳۱

ماده ۱۳۱ - در موارد دخالت اصلی مدعی العموم فقط بعد از اقامه دعوی از طرف مدعی خصوصی در محاکمه دخالت خواهد کرد.

رئیس - ماده ۱۳۲

ماده ۱۳۲ - در موارد مداخله تبیی مدعی العموم بسمت مشاوره حقوقی بیان عقیده میکنند و اگر متداعیین خصوصی منازعه خود را صلح ختم نمودند یا بحکم محکمه تسلیم شوند مدعی العموم حق تعقیب دعوی و هیچگونه اعتراضی را ندارد.

رئیس - ماده ۱۳۳

ماده ۱۳۳ - در موارد ابلاغ مدعی العموم در دعاوی که در صلحیه مطرح است دخالت نخواهد کرد ولی در موارد دخالت اصلی محکمه صلح باید حکم خود و در صورت اصلاح نتیجه را بمدعی العموم ابلاغ نماید تا مشار الیه بتواند در صورت لزوم از حکم استیناف بخواند و در مورد صلح دعوی را در محکمه صلحیه تعقیب کند.

رئیس - ماده ۱۳۴

ماده ۱۳۴ - در موارد ابلاغ بمحض اینکه جلسه رسیدگی معین گردید مدیر دفتر باید دوسیه امر را با قید تاریخ جلسه نزد مدعی العموم بفرستد مدعی العموم دوسیه را مطالعه کرده و لا اقل يك روز قبل از جلسه محاکمه

بدفتر محکمه عودت میدهد.

رئیس - ماده ۱۳۵

ماده ۱۳۵ - مدعی العموم باید در جلسه محاکمه حاضر شده عقیده خود را در موضوع دعوی قبل از اعلان ختم محاکمه شفاهاً اظهار کند و در مورد دخالت تبیی ممکن است عقیده خود را کتباً بمحکمه بفرستد.

رئیس - ماده ۱۳۶

فصل ششم - در محاکمه اختصاری ماده ۱۳۶ - در موارد مفصله ذیل قواعد محاکمه اختصاری رعایت می شود:

- ۱ - دعاوی حاصله از اجاره خانه و انبار و دکا کین و امثال آن و دعاوی راجعه باجرت المثل اعیان مذکوره.
- ۲ - دعاوی که داخل در صلاحیت محاکم صلح است
- ۳ - دعاوی تجاری
- ۴ - دعاوی راجعه باسناد سجلی
- ۵ - دعاوی مربوطه بحقوق زوجیت
- ۶ - مطالبه نفقه اولاد و زوجه و اقارب
- ۷ - منازعات و اختلافات راجعه بااجراء احکام و اوراق لازم الاجراء ثبت اسناد.
- ۸ - دعاوی راجعه بخسارت محاکمه در صورتیکه مستقلاً اقامه شده باشد.

رئیس - ماده ۱۳۷

ماده ۱۳۷ - در محاکمه اختصاری همینکه مدعی مطابق مواد ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۶ عرض حال خود را با ضمانت بدفتر محکمه تقدیم نمود مدیر دفتر محکمه مکلف است اوراق دعوی را با تعیین روز و ساعت جلسه محاکمه برای مدعی علیه ارسال دارد روز جلسه باید طوری معین شود که فاصله مابین ابلاغ اوراق دعوی و احضار نامه و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد مدت مسافت هم بموعده مزبور اضافه میشود.

رئیس - ماده ۱۳۸

ماده ۱۳۸ - در امور فوری اگر مسافت بین اقامتگاه

مدعی علیه و محکمه بیش از شش فرسخ نیست مدیر دفتر میتواند روز جلسه را زودتر از موعدی که در ماده قبل مقرر شده معین نماید تشخیص فوریت بنظر حاکم محکمه است.

رئیس - ماده ۱۳۹ :

ماده ۱۳۹ - مدعی علیه باید سواد تمام اسناد خود را در اول جلسه محاکمه که حاضر میشود ابراز نماید و در صورتیکه مدعی علیه نتوانسته باشد بواسطه کمی مدت اسناد لازمه را حاضر کند حق دارد تعویق جلسه را تقاضا کند و هر گاه محکمه این خواهش مدعی را مقرون بصحت دانست جلسه دیگری معین میکند و تجدید جلسه دیگر جائز نیست مگر بتراضی طرفین.

رئیس - ماده ۱۴۰ :

ماده ۱۴۰ - مدعی نیز میتواند تعویق جلسه را بخواهد در صورتیکه مدعی علیه اقامه دلائلی کند که دفاع از آن برای مدعی مقدور نباشد مگر براهه اسناد جدید در اینصورت برای حاضر کردن اسناد جدید جلسه دیگری معین میشود و تعویق جلسه دیگر جائز نیست مگر بتراضی طرفین هر گاه محکمه بواسطه پیچیدگی و مشکل بودن دعوی مقتضی بداند میتواند تکلیف کند که هر کدام از اصحاب دعوی در اوراق کتبی اظهارات خود را بمحکمه تقدیم کنند.

رئیس - ماده ۱۴۱ :

ماده ۱۴۱ - نسبت بدعاوی که در حدود صلاحیت صلح ناحیه است طرفین دعوی میتوانند عین اسناد خود را بمحکمه تقدیم نمایند.

رئیس - ماده ۱۴۲ :

ماده ۱۴۲ - در صورتیکه طرفین دعوی در موارد محاکمه اختصاری بمحاکمه عادی تراضی نمایند محکمه باید محاکمه را بطرز محاکمه عادی جریان دهد و در صورتیکه طرفین در موارد محاکمه عادی تراضی بمحاکمه اختصاری نمایند محکمه باید محاکمه را بطرز محاکمه اختصاری جریان دهد.

رئیس - ماده ۱۴۳ :

ماده ۱۴۳ - سایر ترتیبات در محاکمه اختصاری مثل محاکمه عادی است مگر آنچه را که استثناء شده باشد.

رئیس - ماده ۱۴۴ :

فصل هفتم - در حکم

ماده ۱۴۴ - بعد از اعلان ختم محاکمه هر گاه محکمه بتواند فوراً رأی میدهد و برای صدور حکم یا قراری که مستقلاً قابل شکایت است روز و ساعتی را که فاصله آن بیش از ده روز نباشد معین و باصحاب دعوی اعلام میکند که در روز و ساعت معینه برای قرائت حکم حاضر شود در مسائل غامضه محکمه میتواند صدور رأی را فقط تا پنجروز بتأخیر اندازد در این صورت در موقع اعلان ختم محاکمه موعدی را که از پانزده روز تجاوز نخواهد کرد برای قرائت حکم با قرار معین کرده بطرفین اعلام میکند و این اعلان در صورت مجلس قید و بامضاء طرفین و حاکم محکمه میرسد.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - این ماده ۱۴۴ يك رویه تازه را در محاکمات اتخاذ کرده است البته از نظر اینکه باید سعی شود در احقاق حق تسریع شود بنده کاملاً موافقم ترتیبی که در این ماده در نظر گرفته شده این است که بعد از خاتمه محاکمه يك روزی را معین کند که در آن روز حکم را اعلان کند و این اعلان حکم بمنزله ابلاغ حکم محسوب میشود دیگر محتاج با اینکه حکم را باصحاب دعوی و محکوم علیه ابلاغ کند نباشد از لحاظ اینکه شاید بواسطه این ماده زحمت ابلاغ حکم از بین برود البته يك نظر خوبی است و ممکن هم هست تسریع کند در کار و از طرف دیگر يك مشکلاتی در کار هست که بنظر بنده باید این مشکلات را مورد توجه قرار داد مخصوصاً با این لایحه جدید که مرجع صلاحیت دار را برای اقامه دعوی محل اقامت مدعی علیه قرار داده است و اغلب یکی از دو طرف دعوی در خارج از مقر محکمه هستند آنها را ملزم میکند که برای جلسه محاکمه حاضر شوند و بعداً هم برای روزی که حکم باید ابلاغ شود حاضر شوند و اگر هم حاضر نشوند حکم ابلاغ شده محسوب است این اسباب زحمت است برای

مردم مخصوصاً در مواردی که محل اقامت خارج از محل محکمه باشد بعضی از موارد را در مواد بعد پیش بینی کرده اند و خارج کرده اند از حکم کلی مثلاً اگر وکیل اختیار محاکمه محکمه بالاتر را نداشته باشد اینجا استثناء شده و مقرر شده مثل سابق حکم را بموکل که طرف دعوی بوده ابلاغ کنند ولی عرض کردم منحصر نیست مشکلات کار بمواردیکه در مواد بعد پیش بینی شده و خیلی از موارد هست که مشکلاتی ایجاد میکند اعلام حکم آنوقت هم اعلام حکم بمنزله ابلاغ حکم محسوب میشود و در ظرف ده روز اگر شکایت نکنند حکم قطعی میشود این است که بمقیده بنده باید در این ماده توجه شود و اگر ممکن باشد همان ابلاغ معمولی را يك وسائل دیگری ایجاد کنند که درش تسریع شود که محتاج به این وضع نباشیم بنظر بنده از لحاظ تسریع کار مردم بهتر است و اگر واقعا لابد و ناچار باشیم تسریع جریان محاکمه را منحصر و موکول بدانیم بتصویب این ماده و این فرمول بمقیده بنده باز در اینموقع هم بایستی توجه کنیم يك موارد دیگری را منجمله آنکه بنده مثال زدم در نظر بگیریم و از این حکم کلی استثناء کنیم و در آن موارد هم حکم را مثل سابق ابلاغ کنیم بنده منظورم این است در عین اینکه يك رویه جدیدی را میخواهیم بواسطه این مواد فراهم کنیم يك مشکلات تازه اضافه نشده باشد.

وزیر عدلیه - اولاً آقایان باید بدانند که این مواد بانظر قضاتی که از بیست و شش سال قبل تا بحال بعضی قدری کمتر در کار و عمل بوده اند یعنی قضات مجرب و کار کرده تهیه شده و بیشتر از هر قانونی در او تجربه و آزمایش شده و بالاخره بعد از مطالعاتی که خود بنده هم یکی از آنها بودم و سالهای خیلی زیاد در این قسمتها تجربه دارم فکر کردیم بهتر از این ترتیب راهی نیافتیم برای نظم کار و تسریع عمل علت این است که وقتی محاکمه بدرجه صدور حکم یعنی صدور رأی رسید مخصوصاً وکلاء که عارف هستند و مطلع بمذاق محاکم و آراء محاکم هستند خیلی زود احساس میکنند که

کمی محکوم است کمی محکوم له و محکوم له که البته بنفع او حکم صادر شده است همان روز رؤیت میکند همان روز باو ابلاغ میشود ولی محکوم علیه اینطور نیست آقایان وکلاء هم که از جمله آقای احتشام زاده هستند و البته در این ماده انترسه هستند آقایان وکلاء البته يك مسافرنهائی دارند مثل روضه خوانهای سابق که چندین مجلس وعده میکردند و میخواستند بهمه برسند حالا برای طفره خودشان میگویند خوب مأمور خودش برود هر طور میتواند ابلاغ کند مأمورین امر هم همینطور است میروند محکوم علیه را پیدا نمیکنند يك طرف محکوم علیه است مثلاً خانم است در خانه است راه نمیدهد خفی شده وسیله هم برای الزام ابلاغ آنها نیست خودشان را هم نشان نمیدهند ناچار باید به کمیساریا برود و آن جریانات فرق نمیکند بنده قسمت غالب قضیه را عرض کردم و الا خیلی از مردها هم همینطورند که خودشان را نشان نمیدهند و مأمورین خسته میشوند از ابلاغ تا بالاخره میروند بکلانتری بآنها تسلیم میکنند آنها هم برای اینکه در قانون نوشته شده که از عدم ابلاغ مسئولیت تولید میشود غالباً عذر میآورند جای عذر هم دارند برای اینکه کارشان زیاد است میگویند آزار نداریم بالاخره تولید زحمت میشود تا بالاخره با مطالعه به قانون اصول محاکمات خارجه و آنچهائی که مثل مادچار این مشکلات شده و يك تصمیماتی گرفته اند اینرا نوشته و مثل آنها رفتار کرده ایم در آنچهها معمول این است محکمه وقتی که کار را تمام کرد و غالباً شنیده ایم بگفته فاصله است مثلاً امروز سه شنبه است روز سه شنبه آتیه را روز ابلاغ حکم قرار میدهند که طرفین حاضر شوند هیچکس هم که نیاید آن حکم را برای دیو ارمی خوانند آنروز روز ابلاغ حکم است خواه بیاید خواه نیاید برای اینکه غالباً دیده شده که جلوی مسامحات مردم را نمی شود گرفت مگر با الزامات از این جهت این رویه اتخاذ شده اما مواردی هم هست که طرفین حاضر می شوند و بآنها اعلام می شود که روز فلان روز ابلاغ حکم است این بگمورد هست بگمورد دیگر است که طرفین اسقاط حق حضور کرده اند

یا یکی از طرفین و آن طرفی که اسقاط حق حضور کرده حاضر نیست البته نسبت باو هم استثناء است البته ابلاغ حکم باو بعد خواهد شد. موارد دیگر هم هست که بجای خودش صحیح است این ماده فقط يك مشکلی دارد و آن این است که بقول آقای احتشام زاده ممکن است به محل اقامت گاه مدعی علیه مراجعه شود ولی او اهل آنجا نیست و نخواهد تا دهر روز یا پانزده روز که روز ابلاغ حکم است در آن ولایت یا شهری که مقر محکمه است بماند. آن شخص اگر مدعی است یعنی کسی است که محکوم له واقع شده البته همان فردا یا چند روز فرضاً میماند تا حکم را رؤیت می کند و اگر محکوم علیه است قطعاً فرار کرده و به جای خودش می رود ولی چاره نیست. آنوقت باید این حکم را بفرستد به محکمه که محل اقامت محکوم علیه است و آنوقت تا مدتی باید مأمور را بفرستند عقب ابلاغ و مدتها طول می کشد یا نکشد و محکوم له بیچاره هم مدتی پشت در اطاق محکمه منتظر و هر روز مطالبه احقاق حق خودش را مینماید یعنی مطالبه نتیجه حق خودش را دارد. خلاصه بهترین طریقی که در نظر گرفته شده برای تسریع کار همین است که در این جا رعایت شده است

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - گرچه بعد از فرمایشات آقای وزیر عدلیه بنده عریاض خود را خیلی مختصر می کنم. دوم موضوع در این قانون پیش بینی کرده اند که بمقیده بنده حقیقتاً خیلی نافع است. یکی اینکه در قانون سابق این طور بود که محل اقامت را محل مدعی معین کنند. و این برخلاف اصل بود فلان آدم که مدعی علیه بود در فلان شهر بود حالا بنده برخلاف اصل بیایم و خرج راه بفرستم و او را اجبار کنم و در اینجا محاکمه شود. این البته برخلاف اصل است بنده فرضاً از فلان آدم که در فلان جا است فلان قدر طلبکارم خوب در اینجا عدلیه است بروم بگیرم یا عرض بدهم و مطالبه کنم - این یکی از آن چیزهایی است که همانطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند بعد از تهر بیات بیست و پنج

و شش ساله معلوم شده و حالا در این قانون اصلاح شده مورد دوم هم همین موضوع ابلاغ است که اغلب محاکمات چند ماه طول میکشد تا از محکمه حکم صادر شود حالا می خواهند ابلاغ کنند باچه اشکالات مواجه میشوند برای اینکه محکوم علیه خودش را نشان نمیدهد و ظاهر نمیکند اهل خانه قبول نمیکند همسایگان هم تمهید نمیکند که ابلاغ کنند ناچاراً باید بپردازند به کلاتری آنها يك اشکالاتی دارد. حالا در این قانون پیش بینی شده که محکمه روزی را معین کند که طرفین در محکمه حاضر شوند و همین روز روز ابلاغ حکم است و اگر هم نیابند همین روز بمنزله ابلاغ حکم است و به عقیده بنده این دو اصلی که در اینجا نوشته شده خیلی بحال مردم نافع بوده و بطوء جریان محاکمه را تمام میکنند

رئیس - ماده ۱۴۵ قرائت می شود.

ماده ۱۴۵ - قبل از موعد مقرر برای قرائت حکم با قرار باید حکم باقرار تنظیم شده و بامضاء حاکم و مهر محکمه برسد و بدمه اصحاب دعوی نیز سواد تهیه شده باشد.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - چون در موارد ابلاغ در واقع مدعی العموم هم یکی از طرفین قضیه است و مداخله دارد به عقیده بنده در این مورد هم سواد احکام که بعداً اصحاب دعوی نوشته میشود البته مقتضی است سواد هم برای مدعی العموم فرستاده شود زیرا او هم مداخله دارد و خیال میکنم این قسمت باید اصلاح شود.

مخبر کمیسیون - البته مدعی العموم هم که با بسمت اصالت بانها در محاکمه دخالت می کنند از اصحاب دعوی حساب می شود و البته باین جهت برای او هم سواد تهیه خواهد شد.

رئیس - ماده ۱۴۶ قرائت میشود.

ماده ۱۴۶ - در روز وساعتی که قبلاً معین شده محکمه حکم باقرار خود را در جلسه علناً قرائت میکنند و آن روز روز ابلاغ محسوب است اگر چه اصحاب دعوی حاضر نباشند

در صورتی که حاضر باشند محکمه سواد حکم باقرار را بآنها تسلیم میکنند.

رئیس - ماده ۱۴۷

ماده ۱۴۷ - در مواردی که طرفین یا یکی از آنها در موقع ختم محاکمه در جلسه حاضر نباشند مدبر دفتر باید تا پنجروز پس از صدور حکم سواد آنرا بخود یا بمحل اقامت غائب یا وکیل او ابلاغ کند.

رئیس - ماده ۱۴۸

ماده ۱۴۸ - بعد از صدور رأی طرفین میتوانند آن را در دفتر محکمه قرائت نموده و سواد از آن یا از صورت مجلس و سایر اوراق دوسیه بگیرند.

رئیس - ماده ۱۴۹

ماده ۱۴۹ - هرگاه در موقع قرائت حکم یا قرار یکی از طرفین دعوی حاضر نباشد بعداً می تواند در دفتر محکمه حکم باقرار را قرائت کرده سواد از آن بگیرند.

رئیس - ماده ۱۵۰

ماده ۱۵۰ - مدیر یا اعضاء دفتر قبل از این که رأی یا حکم باامضاء حاکم محکمه برسد نباید سواد از آن بکسی بدهند و در صورت تخلف از این ماده مرتکب به مجازات اداری از درجه سه بیلا محکوم خواهد شد

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - در این جا که ذکر شده مدیر یا اعضاء دفتر قبل از اینکه رأی یا حکم باامضاء حاکم محکمه برسد نباید سواد از آن بکسی بدهند. بنده عقیده ام این است مدیر دفتر را مکلف کنیم که رأی محکمه را هم قبلاً بکسی اظهار نکند چون غالباً اتفاق می افتد همینکه طرف از رأی محکمه با خبر شد و باو اظهار شد میرود و تشریفات میکنند از این جهت باید تصریح کرد در اینجا که نباید به سواد بدهند و نه اظهاری از رأی محکمه بطرفین بکنند.

وزیر عدلیه - اظهار اولاً نتیجه چندانی ندارد.

زیرا سواد که مضر است ندهد کافی است گذشته

از این جلوگیری و اثبات قضیه هر دو مشکل است مثلاً يك اظهاری کرده شفاهاً که طرف شما محکوم شده بعد انکار میکنند پس اثباتش مشکل است و جلوگیری هم مشکل. در هر صورت آنچه که مضر است و باید جلوگیری شود دادن سواد است که در این جا تصریح شده نباید داد.

رئیس - ماده ۱۵۱

ماده ۱۵۱ - هیچ حکم یا قراری را نمیتوان مجری داشت مگر اینکه بطرفین یا وکیل آنان ابلاغ شده باشد طریقه ابلاغ حکم و قرار در غیر موارد مذکوره در مواد قبل مطابق قواعدی است که برای ابلاغ عرضحال و سایر اوراق مقرر است.

رئیس - ماده ۱۵۲

ماده ۱۵۲ - هرگاه وکیل در محاکمه وکالت برای محاکمه در مرحله بالاتر نداشته و یا مجاز برای وکالت در مرحله بالاتر نباشد و وکالت در تعیین وکیل مجاز هم نداشته باشد و یا وکیل استعفا کرده و یا فوت شده حکم باید بموکل ابلاغ شود در این صورت مدیر دفتر محکمه سواد از حکم برای ابلاغ بموکل میفرستد.

رئیس - ماده ۱۵۳

ماده ۱۵۳ - محکمه بعد از امضاء رأی حق تغییر آن را ندارد.

رئیس - ماده ۱۵۴

ماده ۱۵۴ - رأی محکمه راجع بماهیت دعوی اگر نهائی باشد حکم و راجع بمسائل مربوطه بدعوی قرار نامیده می شود.

رئیس - ماده ۱۵۵

ماده ۱۵۵ - در رأی باید نکات ذیل قید شود.
 ۱ - تاریخ رأی ۲ - اسم و شهرت متداعیین ۳ - موضوع دعوی و تقاضای متداعیین که مورد رأی است. ۴ - جهات و دلائل رأی و موارد استناد به ۵ - امضاء حاکم یا حکام محکمه و تصریح اسم و سمت آنها ۶ - تصریح باقراری موقت در صورتیکه محکمه در این باب رأی دهد.

رئیس - رأی گرفته می شود بورود در شور دوم آقابانی که موافقت دارند قیام فرمایند. (اکترقیام نمودند) تصویب شد.
[۴ - اعلام وصول لایحه تفریح بودجه ۱۳۱۳ مجلس شورای ملی]

رئیس - قانون تفریح بودجه ۱۳۱۳ مجلس شورای ملی را اداره مباشرت بمجلس تقدیم کرده به کمیسیون رجوع می شود
[۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - اگر تصویب می فرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتیه روز یکشنبه دوازدهم بهمن سه ساعت قبل از ظهر + دستور لوايح موجوده + (مجلس مقارن ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - اسفندیاری

رئیس - ماده ۱۵۶
ماده ۱۵۶ - در ورقه حکمیه یا قراری که مستقلاً قابل استیناف است نکات ذیل باید تصریح شود.
۱ - اسم و اسم خانوادگی و محل اقامت اصحاب دعوی -
اسم و اسم خانواده و سمت کسی که بنام متداعیین اصلی یا از طرف آنها اقامه دعوی کرده یا طرف دعوی واقع شده اند.
۲ - تاریخ حکم ۳ - تعیین محکمه صادر کننده حکم
۴ - اسم هیئت حاکمه ۵ - موضوع دعوی و تقاضای متداعیین
۶ - خلاصه دلایل و مستندات هر يك از متداعیین ۷ -
خلاصه عقیده مدعی العموم در موارد ابلاغ ۸ - جهات و دلایل و مواد استنادیه ۹ - تصریح یا اجرای موقت اگر مورد رأی باشد.